

خدای زنده

جلد دوم

بخش صعود و نزول روح القدس

فصل چهارم :

اولین نگاه بر کلیسا

سطح عالی

بخش ششم

صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت دوم: روح القدس کلیسا را در مسیح متحد می کند

فهرست

۴۵۵	فصل چهارم: اولین نگاه بر کلیسا
۴۵۵	۱- مقدمه
۴۵۵	الف - توصیف چند اصطلاح مهم درباره ی کلیسا
۴۵۷	ب - از کدام دروازه وارد شویم؟
۴۵۹	دروازه ی چهارم: کلیسا به عنوان نهاد
۴۶۰	الف - کلیسا نهاد دیدنی است
۴۶۰	ب - چه کسانی در این نهاد شرکت می کنند؟
۴۶۲	ج - در طول زمان کلیسا باید پا برجا بماند
۴۶۲	د - کلیسا باید راز خود را به تحقق برساند
۴۶۳	۲ - آن چه کلیسا نمی باشد
۴۶۴	۳ - کلیسا آن گونه که هست
۴۶۶	خلاصه ی تعلیمات رسمی
۴۶۶	۴ - کلیسا آن طور که به نظر می رسد و آن طور که باید باشد
۴۶۶	الف - رفتار بعضی از مسیحیان
۴۶۸	ب- چهار توصیف کلیسای ما
۴۶۸	خلاصه ی تعلیمات رسمی
۴۷۰	۵ - میراث زمان گذشته: سنت، پدران کلیسا
۴۷۰	الف - سنت
۴۷۰	۱- در زبان یونانی
۴۷۱	۲- در کتاب مقدس
۴۷۳	۳- در زمان معاصر
۴۷۳	۴- در فرهنگ فارسی زبان
۴۷۵	نتیجه

- ۴۷۵ سنت کلیسا و سنت ها
- ۴۷۶ امکان بازگشت پیوسته به آن چه که اساسی است
- ۴۷۷ سنت گرائی ایمان افرادی است که مرده اند، حتا آن هنگام که تمارض
به زنده بودن می کنند
- ۴۷۸ ب - پدران کلیسا

فصل چهارم

اولین نگاه بر کلیسا

۱- مقدمه:

موضوع راز کلیسا مخصوصاً برای ما اهمیت بسزایی دارد، بنابراین، باید تدریجاً بر آن تعمق کنیم. پس در ابتدا به توصیف کلیساهای مختلف می پردازیم. چون در واقع خیلی چیزها درباره‌ی این موضوع می شنویم و حتا اگر تجربیات ما محدود می باشد، چیزهای مختلفی می بینیم و به راز آن عمیقاً پی نمی بریم، پس کوشش کنیم که به هویت و حقیقت کلیسا پی بریم تا مسیر و راه را اشتباه طی ننمائیم. بعد از آن باید ببینیم از کدام دروازه داخل شویم و در آخر آن چیزی را که از کلیسا می بینیم به عنوان نهاد دیدنی تماشا کنیم.

بنابراین، مباحث این باب این گونه خواهد بود:

الف - چند اصطلاح مهم در باره‌ی کلیسا

ب - از کدام دروازه وارد شویم؟

ج - آن را که می بینیم: کلیسا به عنوان نهاد

د - میراث زمان گذشته: سنت و پدران کلیسا

الف - توصیف چند اصطلاح مهم درباره‌ی کلیسا

قبل از این که به موضوعی وارد شویم که در چند فصل آینده ادامه داده شده است اصطلاحات مخصوص به کلیسا را تعریف کرده و توضیح می دهیم.

* **کنیسه (کنشت):** به زبان یونانی کلمه‌ی «Syn-Agoge» به معنی اجتماع، بنابراین جایگاه اجتماع، کلمه‌ی آرامی «Knechta» را به معنی خانه‌ی دعا ترجمه می کنند.

در هر شهر و شهرک فلسطین و هم چنین در کشورهای مختلف که یهودیان در آن پراکنده شده اند چنین خانه‌ای وجود دارد که جهت آن به سوی شهر اورشلیم ساخته شده است. و در این محل مخصوصاً روز شنبه نیایش می کردند و به قرائت تورات می پرداختند و به نوشته‌های انبیا گوش فرامی دادند که متن آن به زبان آرامی ترجمه می شد همراه با توضیحات، البته هیچ وقت در چنین مکانی، هیچ قربانی به خدا تقدیم نمی شد چون این آیین مخصوص معبد اورشلیم بود.

* **کلیسا:** به زبان یونانی کلمه‌ی «Ekklessia» معمولاً به معنی اجتماع سیاسی قوم می باشد اما در زبان قوم برگزیده، ترجمه‌ی کلمه‌ی عبری «Qahhal» به معنی اجتماع قوم برگزیده (تث ۴: ۱۰) یا کلمه

عبری «Edda» به معنی زمان عید و اجتماع روز عید می باشد. به احتمال قوی مسیحیان اولیه این کلمه ی کلیسا را انتخاب کردند که خود را از اجتماع یهودیان در کنیسه تمییز دهند. معنی اول کلمه ی کلیسا، اجتماع مسیحیان می باشد و کم کم معنی محل این اجتماع را به خود گرفته است. در انجیل فقط در متا باب ۱۶: ۱۸؛ ۱۸: ۱۷؛ این اصطلاح به کار برده شده است. اما در اعمال رسولان و در نامه های پولس چندین بار استفاده شده است. مخصوصاً در ارتباط با اجتماع مسیحیان در فلان شهر.

*** کلیسای خاص:** به معنی حوزه ی اسقفی که یک اسقف به عنوان جانشین رسولان با کمک کشیشان و شماسان مسیحیان آن محل را در اتحاد با مسیح جمع می کند. البته این اسقف نیز مسئولیت اتحاد با اسقفان دیگر زیر نظر پاتریارک خود را دارا می باشد.

*** کلیسای محلی:** کلیسایی که در یک منطقه ی بزرگ گسترش پیدا کرده و تمدن آن را عهده دار شده است و به زبان آن منطقه نیایش می کنند.

*** لاتین:** کلیسا که در اروپا و کشورهای غربی کم کم گسترش یافت و مستقیماً به اسقف رم وابسته می شود و قبلاً همیشه به زبان لاتین نیایش می کرد.

*** شرقی:** کلیساهایی که مستقیماً در شهرهای بزرگ امپراتوری بیزانس مثل اسکندریه در مصر، انطاکیه در سوریه، اورشلیم در فلسطین، بیزانس در آسیای صغیر و حتا سلوکیان پایتخت امپراتوری پارت آن زمان گسترش پیدا کردند و مسئولین آنها در صمیمیت و اتحاد با پاپ رم در قرون اولیه فعالیت می کردند.

*** پاتریارک:** مسئول یکی از این کلیساهای محلی که در شرق به وجود آمده بودند. اسقف رم به عنوان جانشین پطرس رسول مسئولیت اتحاد همه ی پاتریارک ها و اسقفان و بنابراین همه ی کلیساهای محلی را عهده دار می باشد.

*** کاتولیک:** کلمه ی یونانی «Katholon» به معنی طبق کل، یعنی طبق کل راز خدا و طبق کل راز انسان، بنابراین جهانی توجه شده است.

قاعدتاً این صفت برای هر کلیسا به کار برده می شود اما امروز اغلب به آن کلیسا که در مشارکت با کلیسای شهر رم و اسقف آن است اطلاق می شود.

*** شورای جهانی اسقفان:** که در ارتباط با مسائل مهم و مربوط به همه ی کلیساهای جمع می شود بالاترین مقام مسئول است. و تصمیمات آن جهت تمام کلیسای محلی لازم الاجرا می باشد.

*** مجمع اسقفان کلیسای محلی:** در ارتباط با مسائل این کلیسا جمع شده و زیر نظر پاتریارک یا سراسقف مربوط تصمیم می گیرد.

* **کلیساهای قدیم شرق:** که تصمیمات شورای اسقفان در افسس یا کالسدون در قرن پنجم را قبول نکرده، جدا شدند. و گاهی اصطلاح ارتدوکس را نیز به خود می‌گیرد. (کلیساهای شرق آشور، ارمنی قبطی، سریانی)

* **کلیسای ارتدوکس:** به زبان یونانی «Ortho-Doxa» به معنی تفکر درست می‌باشد. در اتحاد با پاتریاک قسطنطنیه (استامبول امروزی) در قرن یازدهم در نتیجه‌ی اشکالات و اختلافات با کلیسای غرب و پاپ رم از این کلیسا جدا شده است و به کلیسای بیزانتینی نیز معروف است به اسم قدیم شهر قسطنطنیه مخصوصاً در اروپای شرقی، یونان و روسیه گسترش پیدا کرده است.

* **کلیساهای اصلاح شده یا پروتستان:** در قرن شانزدهم در اثر اعتراض راهبی به اسم لوتر در ارتباط با مسائل مهم ایمان کلیسای رم اهم از معنی شام آخر، مقام حضرت مریم، مسئولیت پاپ رم و رفتارش... از کلیسای کاتولیک جدا شده و در طول زمان چندین کلیسای مستقل در اثر آن به وجود آمدند.

* **کلیسای انگلیکن یا اسقفی:** در قرن شانزدهم هنری هشتم پادشاه انگلستان زیر نفوذ افکار لوتر و به خاطر این که می‌خواست زنش را طلاق داده با کس دیگری ازدواج کند اجازه متارکه از پاپ خواسته بود که مطلقاً رد شده بود و در نتیجه از کلیسای کاتولیک جدا شده و کلیسای خاص انگلستان را تأسیس کرده زیر نظر سراسقف شهر کانتربری- این کلیسا کم کم در کشورهای دیگر گسترش یافته و علی‌رغم کلیساهای پروتستان هر کلیسای انگلیکن زیر نظر یک اسقف جمع می‌شود بنابراین اصطلاح کلیسای اسقفی را در بردارد.

ب - از کدام دروازه وارد شویم؟

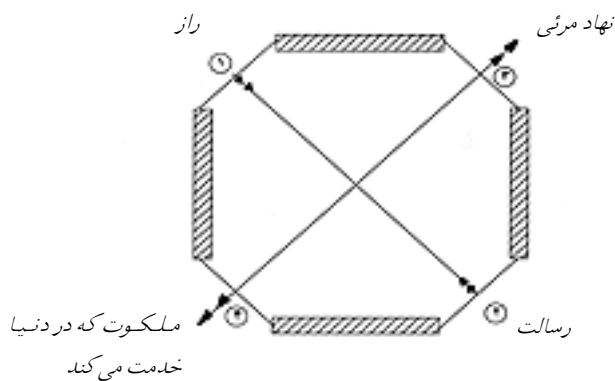
در هر ساختمان کلیسا چند دروازه می‌بینیم تا وارد شویم و نیز بیرون بیاییم. بنابراین درباره‌ی قدم اول به سوی راز کلیسا باید انتخاب کنیم که از کدام دروازه وارد شویم یا از کدام دیدگاه تعمق خود را شروع کنیم.

جوان: مگر چند دروازه برای وارد شدن وجود دارد؟

پیر: حزقیال نبی (باب ۴۰-۴۱) در رویای خود، معبد جدید اورشلیم را با چهار دروازه توصیف می‌کرد.



چهار دروازه ی معبد



ما با استنباط از کتاب معروف «کلیسا، چهار دروازه معبد» از نویسنده معروف «هنری دونی»، کلیسا را از چهار دیدگاه یا چهار دروازه تعریف می کنیم، یعنی دو دروازه جهت وارد شدن و دو دروازه برای خارج شدن.

البته در این جا واضح است که دو انتخاب در نظر گرفته ایم.

کلیسایی را انتخاب نمی کنیم که حتا بر خود بسته باشد مثل گنجی که در گاو صندوق قفل شده باشد. یا کلیسایی که خود را گنجی می پندارد، با علم به این که همیشه کلیسا باید این گنج را عمیق تر بشناسد و آن را عمیق تر بشناساند.

انتخاب دوم منفی می باشد، به معنی این که فقط یک تعمق بر کلیسا که تنها مورد قبول واقع شده باشد را انتخاب نمی کنیم، به این دلیل که احترام کلیسا نسبت به خدا و انسان یعنی نسبت به عیسا تمام نشدنی می باشد. بنابراین، فقط یک تعمق کافی نیست و چهار تعمق را به عنوان راه اساسی پیشنهاد می کنیم و این طور اشاره می کنیم که هیچ وقت عمق راز کلیسا را کاملاً درک نخواهیم کرد. دروازه ی اول، عرفانی می باشد و کلیسا را به عنوان موهبت خدا در نظر می گیرد و تأکید می نماید که این بخش کاملاً رایگان است. زیرا کلیسا، اول نتیجه ی کار ما نیست بلکه آن را می پذیریم. این موضوع را در باب پنجم («میوه ی روح القدس: کلیسا از مشارکت با عیسا») و باب ششم («آئین سپاسگزاری "راز قربانی مقدس"») بحث خواهیم نمود.

دروازه ی دوم، رسولی می باشد، زیرا کلیسا، جنبش وحدت به دیگران، نه خدمت به خود می باشد. یعنی کلیسا مأموریت عیسا را ادامه می دهد این موضوع را در باب هفتم («کلیسا پیام آوری است که به مشارکت دعوت می کند») و در باب هشتم («در کشور ما، چگونه مأموریت کلیسای محلی

را انجام دهیم؟») و در باب نهم («هر کلیسای محلی نویر یک تمدن») بررسی خواهیم کرد. دروازه ی سوم که بسیار ظریف می باشد، می توان آن را دربی به سوی ملکوت نامید که در باب پانزدهم با عنوان «کلیسا کاروانی به سوی ملکوت» بحث خواهیم کرد. که از راه آن مسیحیان واقعی کوشش می کنند حضور ملکوت خدا و گسترش آن در دنیای ما را تشخیص داده و به آن خدمت کنند. «می توان آن را دروازه ی زیبا» نامید. زیرا کلیسا به جای این که در فیض ها و عقاید خود استراحت کند، کوشش می کند در انتظار آن ملکوت یعنی صمیمیت کامل توسط روح القدس، در یکتا پسر شریک شده، پدر را سپاس گوید.

دروازه ی چهارم، کلیسا را به عنوان نهاد یا موسسه بررسی خواهیم نمود. که در این باب و در باب چهاردهم («ردای پاره نشده مسیح، ولی کلیسا را پاره کردیم») و در باب دهم («راز تثبیت روح القدس») و باب دوازدهم («راز تقدیس خادمین») بررسی خواهیم کرد.

البته کلیسا روحانی است ولی همان گونه که پسر خدا انسان شده، آن نیز دیدنی و لمس کردنی می باشد و باید در میان انسان ها وجود داشته باشد و در دنیای ما در طول زمان، خود را بنا سازد. بلافاصله می توان توجه نمود که این چهار دروازه یک جور و دارای یک هدف نمی باشند. دروازه ی اول و چهارم جهت وارد شدن در کلیسا وجود دارند، اما دروازه ی دوم و سوم جهت بیرون آمدن و خدمت کردن به انسان ها می باشند. بنابراین، اگر به صورت نقاشی این موضوع را در نظر بگیریم، دو محور عمود بر هم می بینیم، که یکی از آنها متمایل به مرکز یعنی کلیسا به عنوان راز و نهاد، و محور گریز از مرکز یعنی کلیسا به عنوان مأموریت و در انتظار ملکوت. طبعاً گاهی اوقات به عمود متمایل به مرکز اهمیت می دهیم و گاهی اوقات به عمود گریز از مرکز. مخصوصاً در زمان کوشش در ملاقات با ادیان غیرمسیحی. در نتیجه خودمان باید انتخاب نماییم که از کدام در می خواهیم وارد شویم.

جوان: به نظر من از دروازه ی آخر که جنبه ی نهاد دیدنی دارد شروع کنیم که به نظرم آسان تر می آید.



دروازه ی چهارم: کلیسا به عنوان نهاد

هر نهادی نکات مشخصی دارد مثلاً در این دنیا، مؤسسه، دیدنی است و همه باید بدانند که در این مؤسسه چه افرادی شرکت می کنند و چه زمانی تأسیس شده و تا کی ادامه خواهد داشت. ضمناً هدف مشخصی دارد که کوشش می کند به آن برسد. پس ببینیم که آیا کلیسا این مشخصات هر نهاد دنیا را دارا می باشد؟

الف - کلیسا نهاد دیدنی است

عیسا مسیح هم خدا و هم انسان است و به خاطر راز تن یافت او، همه ی انسان ها می توانستند او را ببینند و لمس کنند، پس کلیسا که حضور و مأموریت عیسا مسیح را باید ادامه دهد، مثل او و مثل هر نهاد این دنیا دیدنی می باشد. اما کلیسا مانند هر موسسه ای نمی باشد، البته اگر سؤال کنند کلیسا چیست؟ فوراً جواب خواهند داد که نهادی با انسان های مختلف، مسئولان، جماعت ها، کتاب ها و اول کتاب مقدس، ساختمان ها، قوانین و فعالیت های مختلف و غیره- می توان از دیدگاه جامعه شناسی و حتا سیاسی آن نهاد را بررسی کرد.

اما کلیسا به عنوان نهاد، صلاحیت اعلام و منتقل کردن راز مسیح را به همه ی انسان ها دارا می باشد. اما این فیض و اقتدار دیدنی نمی باشد و آن نهاد دیدنی تنها هدف اصلی خود را به انجام رساندن این مأموریت می داند. وگرنه اگر تنها مؤسسه دینی همراه با عقاید، آداب و رسوم و قوانین خود می بود تنها یک جسد مرده است و نه کلیسای عیسا مسیح.

پس کلیسا به عنوان نهاد دیدنی تنها وجود دارد تا کسی دیگر غیر از خودش را نشان دهد، اما برای نشان دادن عیسا مسیح باید از نمادها و آداب و رسوم این دنیا استفاده کند، به خاطر این می گوئیم که کلیسا راز بزرگ نجات دهنده ما می باشد. زیرا مثل رازهای هفت گانه کلیسا چیزهای دیدنی و لمس کردنی مثل آب در تعمید یا مثل نان و شراب در راز قربانی مقدس وسیله ایست تا فیض ندیدنی نجات را که در خود موجود است به ما منتقل سازد. کلیسا دیدنی با عیسا مرتبط است و تنها از راه او و جهت او وجود دارد و در همین حال نمی توان این دو را ادغام کرد و یکی دانست. همین طور که خواهیم دید عیسا داماد ما است و ما عروس او هستیم بنابراین، کلیسا ملکوت آسمانی را نشان می دهد ولی خود ملکوت نیست یا کلیسا نجات را نشان می دهد ولی خود نجات نیست. باید هم کلیسا را با اقتدارش و هم عیسا را برتری اش احترام بگذاریم.

ب - چه کسانی در این نهاد شرکت می کنند؟

حال که کلیسا دیدنی است باید بفهمیم اعضاء این نهاد چه کسانی می باشند. البته می توانیم به صورت خیلی ساده به تعمید یافتگان و خادمین کلیسا به عنوان اعضاء این نهاد اشاره کنیم. اما یادآوری کنیم قبلاً گفته ایم که کلیسا واحد، مقدس، جهانی و رسولی می باشد پس باید دید چه افرادی با این نکات مهم کلیسا تطابق دارند. مثلاً حق جویانی که به مسیح ایمان آورده ولی هنوز تعمید نیافته اند تا چه حدی عضو کلیسای ما می باشند؟

- کلیسا به عنوان نهاد دیدنی وظیفه دارد که اعضاء خود را مشخص کند.

اما چه نکات تمایزی می توان در این جا در نظر گرفت؟
متأسفانه همان طور که می دانیم به خاطر گناهان ما، کلیسای مسیح دیگر اتحاد خود را از دست داده است بنا براین با رنج و ناراحتی ها باید تشخیص دهیم در کلیسای کاتولیک، چه گروه هایی مشارکت دارند، سه نکته ی تمایز را در نظر می گیریم:



- ۱ - يك ايمان، یعنی قبول کردن يك فهرست كتب مقدسه و يك قانون ايمان و يك فهرست شوراهاى اسقفان در طول تاريخ.
- ۲ - نکته ای در ارتباط با رازهای کلیسا یعنی برای ما، هفت راز، تعمید، تثبیت روح القدس، قربانی مقدس، اعتراف و بخشش، ازدواج، تقدیس خادمین و روغن جهت مریض ها.
- ۳ - نکته ی خدمت رسولی، یعنی در جریان میراث رسولان مسئولیت رهبری در کلیسا جهت مشارکت مسیحیان و وفاداری به آموزش مسیح.

این نکات متمایز هم با انجیل هم با تفسیر آن در سنت مقدس کلیسا البته سنتی که قبل از کتاب انجیل وجود داشته و در این سنت کلیسا، انجیل نوشته شدند.

جوان: مگر همه ی کلیساها این سه نکته ی متمایز را حفظ نمی کنند؟
پیر: نه. به طور منحصر می توان گفت برادران پروتستان ما بیشتر به نکات متمایز درباره ی ايمان اهميت می دهند و برادران ارتدوکس ما بیشتر به نکات متمایز درباره ی رازهای هفت گانه، و ما کاتولیک ها مخصوصاً برای حل کردن بحث و مناظره به اقتدار خدمت رسولی بیشتر اهميت می دهيم.



برای این که به حقیقت بیشتر وفادار شویم این سه اصل را در نظر بگیریم:
اصل اول: هیچ وقت نباید یک نکته ی تمایز، اهمیت دو نکته ی دیگر را از بین ببرد، مثلاً اگر ايمان، رازهای هفت گانه ی کلیسا را خیلی کم رنگ گرداند یا برعکس خیلی ناجور می شود (چقدر بد است!) یا اگر نکته ی اقتدار خادمین کلیسا همیشه اهمیت تعمق بر کتاب مقدس یا فیض هفت گانه کلیسا را کم رنگ کند، برای آزادی ایماندار چقدر مضر می شود. برعکس اگر اقتدار رسولی هیچ وقت در زندگی ایمانداران دخالت نکند برای اتحاد کلیسا چقدر خطرناک است.

اصل دوم: هیچ وقت نباید فراموش کرد که هر نکته ی متمایز در طول تاریخ تکمیل می شود، در اصول ايمان این موضوع خیلی روشن می باشد، مخصوصاً در کوشش ترجمه ی آن درباره ی تمدن های مختلف و هم چنین تفسیر اصول ايمان، هم چنین هفت راز کلیسا و آیین برگزاری مراسم در طول تاریخ شکل های مختلف داشته است. و بالاخره به کار بردن اقتدار رسولی نیز با تمدن های مختلف و اوضاع کلیساها تطابق دارد مثلاً تازگی ها پاپ ژان پل دوم از مسئولان کلیساها و الاهیات دانان درخواست کرده بود که با هم درباره ی به کار بردن اقتدار خود جهت خدمت بهتر به اتحاد کلیساها بحث و گفتگو کنند.

اصل سوم: طبعاً نکات متمایز که توضیح دادیم در بعضی از گروه های مسیحیان و مخصوصاً در گروه های حق جویان کاملاً حفظ نمی شوند زیرا کم کم ایمانشان عمیق تر و کامل تر می شود تا این موضوع ها را بهتر درک کنند و همه ما باید کوشش کنیم که هر روزه بهتر مسیح را بشناسیم و با او زندگی کنیم.

ج - در طول زمان کلیسا باید پا برجا بماند

تجربه ی ما به خوبی نشان می دهد که در این دنیا بدون نهاد هیچ گروه یا فعالیتی ادامه نخواهد داشت.

مثلاً یک انقلاب، نهاد کهنه ی قدیمی را از بین می برد ولی فوراً نهاد دیگری را جایگزین آن می کند.

فرض محال این را در نظر بگیریم که عیسا بعد از رستاخیزش مثل قبل در میان ما زندگی می کرد با محدودیت های زمان و مکان طبیعی در این صورت نمی توانست با ملت های زیادی تماس داشته باشد و فقط با یک گروه نسبتاً محدود تماس داشت البته یادآوری می کنیم که این فرض با راز قیامت تضاد کامل دارد.

جوان: چرا کلیسا باید در طی سالیان فراوان و این قدر طولانی کار کند و باقی بماند، مگر عیسا نمی تواند زودتر در جلال برگردد که وظیفه ی کلیسا به پایان برسد؟

پیر: عیسا به سؤالتان دقیقاً جواب داده است: «لازم است که اول بر تمامی ملت ها انجیل موعظه شود» (مر ۱۰: ۱۳). بنابراین هنوز به این هدف نرسیده ایم و باید کلیسا بماند، البته جهت دو هدف:

هدف اول: باید کلیسا به راز عیسا و راز خود کاملاً پی برد و آن را در خود به تحقق برساند: «روح القدس شما را به حقیقت کامل خواهد رساند» (یو ۱۶: ۱۳).

هدف دوم: باید مژده ی مسیح را به تمام امت ها برساند (مت ۲۸: ۱۹) و «ارزش های همه ی تمدن ها در مسیح جمع کرده شود» (افس ۱: ۱۰؛ عبر ۲: ۶-۹).

د - کلیسا باید راز خود را به تحقق برساند

گفتار عیسا که یادآوری کردیم «روح القدس شما را به حقیقت کامل خواهد رساند» تا اندازه ای تعجب آورمی باشد زیرا تمام حقیقت راز خدا به عنوان یکتا پسر قدوس، به ما مکشوف ساخت ولی جای دیگر عیسا تأکید کرد درباره روح القدس: «او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد» (یو ۱۴: ۲۶) و در انجیل لوقا نیز می خوانیم: «همه چیز را پدر به من سپرده است و هیچ کس نمی شناسد که پسر کیست جز پدر و نه که پدر کیست غیر از پسر و هر که پسر بخواهد برای او مکشوف می سازد» (لو ۱۰: ۲۲).

بنابراین، ما مثل کسی هستیم که در باغ خود گنجینه ای پیدا کرده (که عیسا مسیح می باشد) (مت ۱۳:۴۴) ولی هنوز ارزش همه ی جواهرات این گنجینه را کاملاً درک نکرده و از آن استفاده نکرده است. هم چنین کلیسا نیز به عمق راز مسیح هنوز کاملاً پی نبرده و هم چنین فیض نجات که به او داده شده است و باید خود را در این فیض نجات فرو برده و تبدیل گردد تا در این خلقت نوین انسان کاملاً شبیه خدا شود یعنی در مسیح تجلی یابد (پید ۱:۲۶) «از جلال تا جلال به همان صورت (خداوند) متبدل می شویم، چنان که از خداوند که روح است» (۲ قرن ۳: ۱۸).

به صورت مثال گفتیم که کلیسا مقدس است و البته کاملاً این حقیقت دارد به خاطر فیض خدا و نجاتی که مسیح به ما عطا کرده. اما خوب می دانیم که کلیسای ما پر از گناهکارانی است که توسط تعمید در قدوسیت مسیح فرو برده شده اند ولی باز هر روز گناه می کنند بنابراین شورای اسقفان به وضوح اعلام کرده که «کلیسا در عین حال مقدس و همیشه باید پاک گردد» (نور جهان شماره ۸ ی ۸). بنابراین، کلیسا هنوز باید به کوشش خود با همراهی روح القدس ادامه دهد تا مثل مریم عذرا به قدوسیت مسیح برسد.

۲ - آن چه کلیسا نمی باشد

جوان: آیا کلیسا توسط پاپ و اسقفان و کشیشان همراه با راهبان و راهبه ها تشکیل می شود؟
پیر: تعریف شما درباره ی کلیسا نزد بعضی از مسیحیان معمولی است ولی کاملاً اشتباه می باشد. در فصل؟ راز تعمید را بررسی کردیم که رسماً شخص رادر جماعت کلیسا وارد کرده و جزء اعضا می گردد؛ بنابراین، هر ایمان داری که این راز را یافته، عضو کلیسا می باشد، که در آن موظف است مسئولیت خود رادر جهت نیایش و شهادت دادن، دارا باشد. در آینده نیز موضوع مسئولان کلیسا را بررسی خواهیم کرد ولی از هم اکنون بدانید که اینها دعوت شده اند تا خادم کلیسا شوند.



جوان: من فکر می کردم که کلیسا فقط خانه ی خداست.
پیر: نه، خانه ی خدا (به زبان یونانی «Naos»، کلمه ای که از ریشه ی «Navire=Naus» گرفته شده، به معنای کشتی و ارتباط مستقیم با کشتی نوح دارد) ساختمان یا معبدی است که کلیسا را در بر می گیرد. ساختمان از سنگ ساخته شده و سنگ شیئی بیش نیست ولی کلیسا از جمع زنان و مردان و فرشتگان یعنی «از سنگ ها ی زنده» طبق سخن حضرت شمعون پطرس، تشکیل می شود (۱- پطرس ۲: ۵). پطرس کاملاً حق داشت که این سخن را بگوید چون خداوند ما عیسا مسیح پس از آن که شمعون به او گفت: «تویی مسیح، پسر خدای زنده» (مت ۱۶: ۱۶) بر او لقب «سنگ یا صخره» نهاد. عیسا وی را دعوت نمود تا «سنگ زنده» شود که بر وی «سنگ سر زاویه» یعنی خود عیسا



قرار می‌گیرد (۱- پطرس ۲: ۶-۷). عیسا به او گفت: «تویی پطرس^۱ و بر این صخره (یعنی بر تو که مرا به عنوان مسیح و پسر خدا می‌شناسی) کلیسای خود را بنا می‌کنم (مت ۱۶: ۱۸)، کلیسایی که سرانجام تماماً از سنگ‌های زنده‌ای ساخته خواهد شد که به پیروی از شمعون پطرس به عیسا هم چون مسیح و خدا ایمان آورده‌اند.

جوان: اوه! حالا می‌فهمم: کلیسا عبارت از مجموع رسولان، اسقف‌ها و کشیشانی است که کار مسیح را ادامه می‌دهند.



پیر: به هیچ وجه! اسقف فقط زمانی اسقف است که اسقف یک جماعت و یک شهر باشد. او به خودی خود نمی‌تواند اسقف باشد همان‌طور که یک سر نمی‌تواند بدون بدن وجود داشته باشد. به علاوه، کشیش باید در خدمت جمعی از ایمانداران کلیسا یا دیر باشد هم چنان که پدر موقعی پدر است که فرزندی داشته باشد.



۳ - کلیسا آن گونه که هست

کلیسا عبارت است از اجتماع تمام شاگردان خداوند ما عیسا، اعم از آنانی که هنوز در این دنیا به سر می‌برند یا آنهایی که اکنون در خانه پدر به گرد استاد جمع می‌باشند. کلمه ی کلیسا از کلمه ی یونانی اکلزیا^۲ (Ekklesi) مشتق شده و ترجمه ای است از کلمه ی عبری «قهال» (Qahal) که آن را در عهد عتیق در موعظه ی موسا به عبرانیان می‌یابیم: «در روزی که در حضور یهوه خدای خود در حوریب ایستاده بودی، خداوند به من گفت: «قوم را نزد من جمع کن تا کلمات خود را به ایشان بشنوانم تا بیاموزند که در تمامی روزهایی که بر روی زمین زنده باشند، از من بترسند و پسران خود را تعلیم دهند...» (تث ۴: ۱۰).

به این ترتیب در عهد عتیق، صحبت از مجمع عبرانیان در صحراست که توسط کلام خدا فراخوانده شده‌اند. از طرفی صحبت از قوم است که خود را در یک مجمع مقدس وقف نیایش می‌کند (لاو ۲۳: ۳؛ اعد ۲۶: ۱). قوم فراخوانده شده تا بعد از آن که از اسارت فرعون نجات یافت، به سوی سرزمین موعود به راه بیفتند (خروج ۱۲: ۱۶-۱۷؛ اع ۷: ۳۸).



قوم عهد جدید که با خون بره ی خدا مهر شده مسئولیت این تجربه ی عبرانیان را بر دوش گرفته آن را ادامه می‌دهد. عیسا قومی جدید را بنیاد می‌گذارد، مجمع

۱- پطرس-به زبان یونانی یعنی سنگ(صخره).

۲- کلیسا به زبان یونانی اکلزیا می‌گویند که به معنای اجتماع کسانی است که خواننده و دعوت شده‌اند.

جدیدی که به خاطر حضور بی وقفه اش در کنار آنهایی که ایمان دارند که عیسا از میان مردگان برخاسته زنده است گرد آمده (۱ قرن: ۱۰-۱۳).

جوان: حال که استاد به آسمان صعود کرده است چگونه شاگردانش می توانند در زمین به گرد وی جمع شوند؟



پیر: هر جا روح القدس هست، پسر خدا هم هست. آیا وعده ی سرور ما مسیح را به هنگام صعود فراموش کرده ای که گفته بود: «من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم» (مت ۲۸: ۲۰)، بنابراین، چگونه همراه ماست؟ به وسیله ی روح القدس! زیرا روح چنان که قبلاً نیز گفته ایم «آن چه را که عیسا به ما گفته بود به یاد ما خواهد آورد» (یو ۱۴: ۲۶) و «آن چه از آن عیسا است می گیرد و به ما خبر خواهد داد» (یو ۱۶: ۱۵) و نیز «بر او شهادت خواهد داد» (یو ۱۵: ۲۶). روح القدس مسیح را حاضر می کند. زمانی که روح القدس در روز پنطیکاست بر اجتماع ایمانداران نازل شد، این اجتماع به محل حضور کلام خدا و بنابراین به کلیسا تبدیل گردید.



جوان: خواهش می کنم در مورد این موضوع بیشتر توضیح بدهید.

پیر: روز پنطیکاست مثل روز اعلام مژده به حضرت مریم و کلیسا مثل حضرت مریم باکره است.



جوان: چطور؟

پیر: در روز اعلام مژده، با قدرت «روح القدس» (مت ۱۸: ۱) در رحم مریم «کلمه تن گرفت» (یو ۱۴: ۱) و او عیسا را باردار شد.



در روز پنطیکاست در اثر عمل همان روح القدس نازل کننده زبان های مختلف-زبان هایی که برای تکلم به وجود آمده اند- کلمه در بطن کلیسا ساکن می شود و کلیسا شروع به سخن گفتن نموده به اعلام رستاخیز می پردازد. کلیسا، آبتن کلمه بوده و آن را اعلام می نماید همان طور که مریم باکره باردار بود و طفلی را به دنیا آورد. و این کلمه یک شخص است، سخن است، خداست که با ما صحبت می کند، پسر است که همان طور که در رحم مریم جای داشت در کلیسا حضور دارد. این چنین است که روح القدس از زمان پنطیکاست کلیسا را برپا می نماید یعنی ایمانداران را به راز حضور مسیح رستاخیز کرده مبدل می سازد.

«هرآینه به شما می گویم... جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع شوند آنجا در میان ایشان حاضر» (مت ۱۸: ۲۰).

«جایی که کلیسا هست روح خدا هم هست. جایی هم که روح خدا هست کلیسا و تمام فیض آن هست».

(ایرینیوس قدیس، اسقف لیون، قرن دوم)

خلاصه ی تعلیمات رسمی

۱۴۷ - واژه ی «کلیسا» چه معنایی دارد؟
این کلمه به قومی اطلاق می شود که خدا آن را دعوت کرده و از همه اقصا نقاط گیتی، آنان را جمع می کند تا جماعت آنانی که از راه ایمان و تعمید، فرزندان خدا، اعضای مسیح و معبدهای روح القدس می گردند، تشکیل دهد.
۱۴۸ - در کتاب مقدس واژه هایی و نمادهایی که کلیسا را می نمایاند کدامند؟
در کتاب مقدس می توانیم نمادهای متعددی که نکات مختلف راز کلیسا را روشن می سازند، پیدا نماییم. عهد قدیم، نمادهایی مربوط به قوم خدا را بیشتر جلوه می دهد. اما عهد جدید، بیشتر به نمادهایی اهمیت می دهد که به مسیح به عنوان سر این قوم که بدن خود می باشد، می دهد. این نمادها از زندگی شبانان (مثل آغل، گله و گوسفند) یا زندگی کشاورزی (کشتزار، درخت زیتون، یا درخت تاک)، یا زیستگاه (خانه، سنگ و معبد) و یا خانواده (همسر، مادر، خانواده) تشکیل می شود.

۴ - کلیسا آن طور که به نظر می رسد و آن طور که باید باشد

الف - رفتار بعضی از مسیحیان

جوان: آن چه می گویی بسیار زیباست اما من موقعی که به کلیسا می روم اشخاصی را می بینم که پس از کشیدن علامت صلیب به دفعات زیاد، با خواندن دعای تسبیح بدون توجه به معنی آن، به غیبت از همسایگان خود می پردازند و هم چنین موقعی که والدین من راجع به کلیسا صحبت می کنند صحبت آنها بیشتر در مورد کشیشانی است که با هم مشاجره می کنند. پس با همه ی این چیزها روح القدس کجا جای می گیرد و چگونه می توان باور کرد که مسیح در میان این اجتماع ریاکاران زنده است؟



پیر: اگر در روز جمعه ی مقدس در اورشلیم هنگامی که پیلاتس، مسیح را که بدنش از خون و آب دهان پوشیده بود به نزد جمعیت آورد حضور داشتی، بدون شک می گفتی که عیسا چقدر زشت است: «چنان که بسیاری از تو در عجب بودند (از آن جهت که منظر او از مردمان و صورت او از بنی آدم بیشتر تباه گردیده بود)... خوار و نزد مردمان مردود... و مثل کسی که روی ها را از او بیوشانند» (اش ۵۲: ۱۴، ۵۳: ۳)؛ اشعیای نبی، مسیح رنج دیده را این چنین روایت نموده بود. تمام زشتی های دنیا بر چهره اش نقش بسته بود. آن چه که چهره ی وی را تغییر می داد آب دهان انسان ها بود مع هذا این خود او مسیح و قدوس یکتا بود. خوب، در مورد کلیسای او نیز همین امر صادق است. زشتی کلیسا از تمام آب دهان ها، پستی ها، جنایات و گناهان مسیحیان که من و تو هم از آنها مستثنی نمی باشیم پدید آمده ولی با این همه مسیح در کلیسا نهان بوده و روح بر بالای آن در حال



سیران است. کلیسا «عمانوئیل» می باشد یعنی «خدا با ماست»، خدا در میان گناهکاران، باجگیران و فاحشه ها حاضر می شود. سرور ما مسیح هنگامی که به خاطر نشستن بر سفره با گناهکاران مورد انتقاد قرار گرفت گفت: «تندرستان احتیاج به طبیب ندارند بلکه مریضان» (مر ۲: ۱۷).

جوان: من به خدا ایمان دارم و به عیسا مسیح هم ایمان دارم ولی به کلیسا ایمان ندارم.
پیر: پس تو خدا را به آسمان می رانی. اما خدای مسیحیان خدایی است که انسان شد، خدایی در میان ما، خدایی که جهت نجات گناهکاران در میان آنها پنهان می شود، خدایی که عمل می کند و خود را به آنهایی که برای نجاتشان آمده و آنهایی که بلاانقطاع او را استهزاء می کنند می شناساند؛ او در میان آنها کلام خود را طنین انداخته، محبت خود را ظاهر می سازد. در اصطبل بیت لحم او خداست و خدایی است که بین دو خطاکار به صلیب کشیده می شود- «او از خطاکاران محسوب شد» (اش ۵۳: ۱۲). او رانده شده ای است در میان رانده شدگان. پس اگر تو نمی توانی قدوس پنهان شده را در میان گناهکاران کلیسایش و نیز در ننگ رنج و عذابش تشخیص دهی نخواهی توانست در جلال آمدن دوباره اش با او روبه رو شوی.

آن چه در قانون ایمان گفته می شود: «ما ایمان داریم به کلیسای واحد مقدس جامع رسولی»، به معنای آن نیست که انسان به چیزی که می بیند ایمان بیاورد. آن چه را که تاریخ نگار یا جامعه شناس بی ایمان می تواند پس از بررسی موضوع کلیسا تشریح نماید ربطی به ایمان ندارد. انسان برای تأیید آن چه می بیند احتیاجی به ایمان ندارد. «ای تو ما، بعد از دیدن ایمان آوردی خوشا به حال آنانی که ندیده ایمان آورند» (یو ۲۰: ۲۹). کلیشه ای که ظاهر کلیسا را در زمان و مکان خاصی نمایان می سازد به هیچ وجه شامل موجودیت راستین نبوده و معرف آن نمی باشد.

جوان: نمایندگان کلیسای ما به نظر مقدس نیستند، حتا عده ای کلام خدا را اعلام نمی کنند و در جهت خلاف انجیل زندگی می کنند و در پی پول و مقام هستند پس چگونه این کلیسا می تواند به مسیح شهادت دهد؟

پیر: اگر کتاب مقدس را مطالعه کرده باشی می دانی که هیچ وقت بدتر از حزقیال نبی (۳۴: ۱-۲۲) نمی توانی از مسئولان کلیسا با ریشخند انتقاد کنی. ولی متأسفانه گاهی اوقات این انتقادهای برحق می باشد ولی در واقع خود عیسا مسیح در ارتباط با این موضوع مسئولیت دارا می باشد. چون به هر کدام از ما گناهکاران را به عنوان اشخاصی که در کلیسا مسئولیتی انتخاب کرده است هم چون پطرس رسول که او را انکار کرد. البته نه فقط در کلیسا مسئولیت داریم بلکه در اجتماع نیز، خداوند، کودکان کوچک و آسیب پذیر را به مادرشان واگذار می نماید؛ هم چنین به مسئولان مختلف در اجتماع، خداوند، انسان ها را واگذار می کند که در بسیاری مواقع انسان ها در دست

ایشان مثله می شوند به طور مثال عملکرد هیتلر و استالین. خداوند آن چنان به ما محبت می نماید که به ما مسئولیت در دنیا و در کلیسا واگذار می کند و در انتظار نیست نسبت به اطمینانی که به ما آشکار می گرداند با دقت تام، عدالت و محبت را علی رغم گناهانمان نسبت به او انجام دهیم... ولی در این جا می خواهیم از تو سؤال کنم که آیا در کلیسایت مسئولیتی داری؟ و اگر مسئولیتی داری چگونه این مسئولیت را به عهده می گیری؟ آیا شخصاً از کشیش خود واقعاً مفهوم انجیل را طالب هستی یا منافع مادی جامعه ی خودت را در نظر می گیری؟

ب- چهار توصیف کلیسای ما

عیسای مسیح کلیسای خود را بر رسولان تأسیس و به او روح القدس را از طرف پدر منتقل ساخت. بنابراین، از این دیدگاه، کلیسا توصیفی خاص و مهم در بردارد که این گونه بیان شده است: واحد، مقدس، کاتولیک و رسولی. ایمان ما درباره ی کلیسا، توسط شوراها ی اسقفان در کتاب «خلاصه ی تعلیمات رسمی» این گونه بیان شده و چگونگی این تعلیم به شرح زیر می باشد:

خلاصه ی تعلیمات رسمی

۱۶۱- چرا کلیسا واحد می باشد؟

کلیسا واحد است، زیرا به عنوان منشأ و الگوی آن وحدت یکتا خدا در سه گانه اشخاص خود، و به عنوان بنیانگذار و رأس، عیسای مسیح که همه امت ها را در وحدت يك تن گرد می آورد. و به عنوان جان، روح القدس که همه ی ایمان داران را در مشارکت با مسیح واحد می سازد، دارا می باشد.

کلیسا، یکتا ایمان، یکتا زندگی رازگونه، یکتا سلسله ی مراتب رسولی، یکتا امید مشترك و یکتا محبت دارد.

۱۶۲- یکتا کلیسای مسیح در کجا باقی می ماند؟

به عنوان اجتماع متشکل و سازمان یافته در دنیا، یکتا کلیسای مسیح در کلیسای کاتولیک باقی می ماند که توسط جانشین پطرس رسول و اسقفانی که با او مشارکت دارند رهبری می شود. تنها توسط این کلیسا، می توان به کمال به راه های نجات دست یافت، زیرا خداوند تمام فیض های عهد جدید را به یکتا گروه رسولان، که پطرس رأس آن باشد واگذار کرد.

۱۶۵- به چه معنایی کلیسا مقدس می باشد؟

کلیسا مقدس می باشد زیرا خدای قدوس، آفریننده آن می باشد. مسیح جهت آن تا آن را تقدیس کرده و تقدیس کننده شود، خود را تسلیم کرد. روح القدس، با محبت آن را احیا می کند. در آن کمال راه های نجات باقی می ماند. تقدیس شدن دعوت هر اعضای خود و هدف تمام اعمالش می باشد. کلیسا، حضرت مریم همراه با مقدسین بی شماری که الگو و شفاعت کننده خود می باشد، در بردارد. قدوسیت کلیسا سرچشمه ی تقدیس شدن فرزندان خود می باشد که بر زمین، به عنوان گناهکاران اعتراف کرده و همیشه احتیاج به تحول و تطهیر دارند.

۱۶۶- به چه دلیل کلیسا کاتولیک خوانده می شود؟

کلیسای کاتولیک به معنای جهانی می باشد زیرا مسیح در آن وجود دارد. «آن جا که عیسای مسیح وجود دارد، همان جا کلیسای کاتولیک وجود دارد.» (ایگناسیوس قدیس، اسقف انطاکیه).

کلیسا، ایمان کامل و کلی را اعلام می کند (Kathl-o-Lon): طبق کل، کمال راه های نجات را در بردارد و تقدیم می کند، و به مأموریت جهت همه ی امت ها در همه ی اعصار و همه ی تمدن ها فرستاده شده است.

۱۶۸- اعضای کلیسای کاتولیک چه کسانی هستند؟

همه ی انسان ها به طرق مختلف به اتحاد کاتولیک قوم خدا، وابسته یا دعوت شده اند. شخصی که روح القدس یافته به آن وسیله با ارتباط های اقرار به ایمان، رازها، اداره ی کلیسایی و مشارکت به آن متحد شده کاملاً اعضای کلیسای کاتولیک می باشد. تعمید یافتگانی که کاملاً این چنین اتحاد کاتولیک را به تحقق نمی رسانند تا اندازه ای در يك مشارکت ناکامل با کلیسای کاتولیک به سر می برند.

۱۷۴- چه دلیل کلیسا رسولی می باشد؟

- از راه مبداء آن، زیرا «بنیاد آن رسولان می باشند» (افس ۲: ۲۰)

- از راه تعلیماتش که همان تعالیم رسولان می باشد.

- از راه ساختارش، زیرا توسط رسولان با همکاری جانشین آنان یعنی اسقفان در مشارکت با جانشین پطرس، تا آمدن پرجلال مسیح، بنا، تقدیس و اداره می شود.

سؤال برای تعمق بیشتر:

۱- در میان این چند توصیف کلیسا که در بالا شرح داده شده، به ترتیب اهمیت، آنها را از دیدگاه خود تشریح نمایید.

۲- در میان این سه انتخاب که کرده اید، توضیح دهید که چرا به این صورت به آنها بیشتر اهمیت داده اید؟

۵ - میراث زمان گذشته: سنت، پدران کلیسا

الف- سنت

مقدمه:

جوان: بعضی از مسیحیان، کلیساهای قدیم و اصیل را متهم می کنند که سنتی هستند؛ اما این انتقاد



چه معنایی دارد؟

پیر: اگر بدین معنی باشد که بعضی جماعت های مسیحیان در آداب و رسوم قدیم خود چنان بسته شده اند که در آن هیچ تقدیمی قابل قبول نیست و در آنها روح القدس خفه گردیده است، این انتقاد برحق است؛ اما اگر به این معنی باشد که کلیسا، سنت پیشینیان همراه با کتاب مقدس را با وفاداری می پذیرد و آن را امروزی می کند تا منتقل سازد، این انتقاد کاملا اشتباه و ناحق می باشد. زیرا بدون سنت واقعی کلیسا، کلیسای واقعی وجود ندارد.



کلیسا، یک مرتبه از احساسات خاص یا اجتماعی که ما را در اتحاد با یک دیگر جمع آوری می کند، بدون این که ارتباط با مسیح را برقرار سازد جهش نمی کند، وانگهی او در میان ما بیشتر از دو هزار سال پیش زندگی کرده و از راه کلیسا که آن را تاسیس کرده، ایمان رسولان که او فرستاده و هم چنین زندگی نوین او را به میراث می پذیریم. اما امروز این ایمان و زندگی نوین چگونه به ما می رسد و چگونه در این ایمان رسولان می توانیم رشد کنیم؟ در واقع، با پذیرفتن وفا دارانه ی سنت رسولان که از راه کلیسا به ما می رسد و با گوش فرا دادن به آنانی که جانشینان رسولان شده اند یعنی اسقفان و مخصوصا آنانی که پدران کلیسا نامیده شده اند.

بدون سنت واقعی کلیسای واقعی وجود ندارد.

اما، سنت چیست و کلمه ی Paradosis چه معنایی دارد؟

کلمه ی «Tradition» را چگونه ترجمه کنیم؟

معمولا کلمه ی Tradition را «سنت» یا «روایت» ترجمه می کنیم، ولی بیشتر سنت در ترجمه های کتاب های مختلف مسیحی بیشتر از کلمه ی سنت به کار برده شده است. اما باید به این موضوع نسبتا مهم با دقت بیشتری نگاه کرده شود زیرا «سنت» یا «روایت» بدون ابهام نمی باشد.

۱- در زبان یونانی:

کلمه ی انگلیسی «Tradition» از زبان لاتین «Traditio» می آید که بیانگر دو عمل می باشد، عملی که در زبان یونانی به دو فعل مربوط است:

«Para-didomi» به معنی منتقل ساختن و از این فعل کلمه ی «Paradosis» به معنی «Tradition» می آید- البته در علم الاهیات. ضمناً فعل «Para-Lambano» به معنی «پذیرفتن» می باشد.

در نتیجه واضحاً می بینیم که زیر کلمه ی «Tradition» دو عمل وجود دارد: به عنوان مثال در شروع بازی های المپیک مشعل المپیک که از یک کشور به کشور دیگر تحویل می گردد تا از یونان به کشور مقصد که بازی ها انجام می شود برسد. به همان گونه نیز توسط «Tradition» یک حقیقت یا یک روایت از یک گروه به گروه دیگر یا از یک نسل به نسل دیگر منتقل می شود، با دو عمل «دادن» و «گرفتن».

۲- در کتاب مقدس:

سنت یهود، سلسله ای را تشکیل می دهد که به زمان موسا بر می گردد و این امر درستی گفته ها را تأیید می نمود: (عز: ۷: ۶؛ نح: ۱: ۷؛ دان: ۹: ۱۱) و توسط سنت کتابی کتب برحق و سنت های شفاهی قدیمیان ضمانت می گردد (مت: ۱۵: ۲- ۳؛ اع: ۶: ۱۴).

جوان: من عادت دارم کتاب مقدس را بخوانم و در آن تمام حقایق لازم را پیدا کنم تا عیسا را شناخته به دنبال او بروم، بنابراین، به چه دلیل این سنت کلیسا ضروری است؟
پیر: تو که عهد جدید را می خوانی، خوب می دانی که بعد از نزول روح القدس، رسولان به عیسا شهادت داده، شاگردان را جمع آوری کردند که به کلیسا ملحق گردیده، زندگی نوین را پذیرفتند، همان گونه که کتاب اعمال رسولان نشان می دهد: «در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعا مواظبت می نمودند» (اع: ۲: ۴۲). از راه این زندگی برادرانه و تقسیم دارائی هر شخص و با سپاسگزاری، خودشهادت می دهد «نزد تمامی خلق عزیز می گردیدند و خداوند، هرروزه ناجیان را بر کلیسا می افزود» (اع: ۲: ۴۲-۴۳؛ ر. ک: ۴: ۳۲؛ ۵: ۱۲). پطرس رسول، ایستاده در میان آن دوازده تن، بعد از آمدن روح القدس، شروع به شهادت دادن کرده بود، آیا از خود پرسیدی که چگونه او موعظه می کرد؟ آیا مثل کشیشان امروز با تفسیر بر کتاب انجیل؟ خیر. زیرا کلیسا در طول سی سال زندگی کرد و شهادت داد، بودن هیچ کتابی، به جز عهد قدیم.

رسولان شاهدان عینی بودند و همان طور که عیسا به ایشان فرمان داده بود (مت: ۲۸: ۱۹-۲۰) به آن چیزی که دیده، شنیده و درک کرده از راز خدا در عیسای مسیح، توسط روح القدس شهادت می دادند «آن چه از ابتدا بود، و آن چه شنیده ایم و به چشم خود دیده، آن چه بر آن نگریستیم و دست های

ما لمس کرد درباره‌ی کلمه‌ی حیات. و حیات ظاهر شد و آن را دیدیم و شهادت می‌دهیم و به شما خبر می‌دهیم از حیات جاودانی که نزد پدر بود و بر ما ظاهر شد. از آن چه دیده و شنیده ایم شما را اعلام می‌نمائیم تا شما هم با ما شراکت داشته باشید. و اما شراکت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است» (۱ یو ۱: ۳-۱). البته رسولان برای این که نشان دهند که چگونه عیسا تمام نبوت پیامبران پیشین را به کمال رسانده و واقعا او مسیح و نجات‌دهنده‌ی دنیا می‌باشد، همیشه از عهد عتیق استفاده می‌کردند.

تا شاهدان عینی، زنده می‌بودند، کتاب انجیل لازم نبود، زیرا خودشان مژده را اعلام می‌کردند؛ اما بعد از شروع آزار مسیحیان، موضوع تغییر پیدا می‌کند، و مرقس که شاگرد پطرس بوده، تقریباً در سال ۶۰ میلادی زمانی که پطرس در زندان به سر می‌برد زمان شهادتش نزدیک می‌گردید، تعلیم او را به صورت مکتوب در آورد، و اولین انجیل نگارش یافت. زیرا خودش و کلیسای رم خواست که سنت شفاهی این رسول از میان نرود. و همان طور که قبلاً با قدرت روح القدس، رسولان شفاهی ایمان به عیسا را منتقل می‌ساختند، همان طور چهار انجیل به تدریج در نور روح القدس، در میان کلیسا و در خدمت کلیسا، این سنت رسولان را به تحریر مقدس درآوردند. تو خودت می‌دانی که چهار انجیل داریم که هر کدام زندگی عیسی مسیح را بر طبق سنن مختلف که در چهار کلیسای محلی مختلف پذیرفته شده، تعمق کرده، به رشته‌ی تحریر درآوردند، از راه این تنوع این چهار انجیل مکمل یک دیگر می‌باشند و امروز می‌توانیم راز عیسا را از چهار نقطه نظر مختلف تعمق کنیم.

در نتیجه، ما باید این کتب مقدسه را در چهار چوب سنت و وسیع تر که کلیسا به ما منتقل می‌سازد بپذیریم، و در کلیسا و همراه با کلیسا آنان را درک کنیم. بدون این نور کلیسا و سنت آن، به تنهایی در خطر می‌افتیم که این چهار انجیل را به درستی درک نکنیم و به اشتباه تفسیر نمائیم، همان طور که پطرس رسول تأکید کرده: «این را نخست بدانید که هیچ نبوت کتاب، تفسیر خود شخص نیست» (۲ پط ۱: ۲۰).

البته «ما اهل کتاب نیستیم» بلکه شاگردان کسی هستیم که کلیسا البته از راه مقدس و نیز از راه آئین نیایش، موعظه، سرودها، شمایل‌ها و تجربیات مقدسینی که قبل از ما زندگی کرده اند به ما منتقل می‌سازد. بنابراین، گویا در یک جریان رودخانه وارد می‌شویم که از عیسی مسیح سرچشمه می‌گیرد، و همیشه دنیا و قلب ما را آبیاری می‌کند. به خاطر وفاداری، کلیسا آن را پذیرفته امروزی می‌سازد، البته از راه کتاب مقدس و سنت. و این ماموریت به خاطر روح القدس امکان پذیر است «که ما را به حقیقت کامل می‌رساند» (یو ۱۶: ۲۰).

پولس، مسیحیان، اهالی قرن‌تس را تشویق می‌کند تا به این سنت که خودش به آنان منتقل

ساخت، وفادار بمانند: «شما را ستایش می‌کنم که در همه‌ی امور به یاد من هستید، و سنت‌ها را به طوری که به شما ابلاغ کرده‌ام، حفظ می‌کنید» (۱ قرن ۱۱: ۲). شاگردان چون شخص پولس را به خاطر داشتند، سخن او را و نیز طرز زندگی و دعا کردن و شهادت دادن به یهودیان و بت پرستان را به یاد می‌آوردند. چنانچه پولس نه فقط با سخنان خود، بلکه توسط تمام زندگی اش کوشش می‌کرد راز عیسای مسیح را منتقل سازد، بنابراین، پولس شهامت دارد که به مسیحیان تسالونیک بگوید: «شما، تاسی‌کنندگان به ما و هم‌چنین به خداوند شده‌اید...» (۱ تسالونیکی: ۶).

هم‌چنین خود عیسا، حیات نوین خود را نه تنها با تعلیم خود بلکه با تمام زندگی خویش، به ما منتقل ساخت. بنابراین، شاگرد نیست که از معلم یا کتاب اطلاعاتی را فرا گرفته، حفظ کند، بلکه یک ایمان دار که کوشش می‌کند کسی را بشناسد و به شخص او ملحق شود: «در من بمانید، هم‌چون من در شما» (یوحنا: ۱۵: ۲۰) «هر که می‌گوید که در وی می‌مانم، به همین طریقی که او سلوک نمود، او نیز باید سلوک کند» (۱ یوحنا: ۲: ۶). بنا براین، کلیسا نه تنها تعلیم می‌دهد، بلکه با تمام زندگی خود شهادت می‌دهد، توسط یک سنت که از خود عیسا و زندگی او در میان ما سرچشمه گرفته و توسط رسولان و جانشینانش در کلیسا به ما منتقل می‌شود.

۳- در زمان معاصر:

در کلیساهای همسایه‌ی ایران کلمه‌ی Tradition در زبان عربی به کلمه‌ی «تقلید» با این تفسیر: «تناقل، ایمان و حیات کلیسا». اما در زبان اردو، کلمه‌ی روایت یا حدیث استفاده می‌شود.

۴- در فرهنگ فارسی زبان:



باب سنت در آن جا که بحث پیرامون (تاریخ و تحقیق) ادیان پیش رو باشد کاربردی بسیار رایج دارد. هرچند مفهوم آن اکثر مواقع مبهم باقی می‌ماند، بخصوص که زمانی که سنت‌ها چون مترادفی راحت الوصول برای ادیان بکار رود.

علاوه براین، واژه مذکور تبعاتی را می‌تواند با خود منتقل سازد که مفروضاتی ضمنی و یا تبعاتی تأیید نشده می‌باشند. در لفظ مبشرین مذهبی و یا بر قلم کسانی که به مطالعه‌ی آنان می‌پردازند،

سنت، مراجعی را پیشنهاد می‌دهد که در جوامع و فرهنگ‌ها دارای وضعیتی ثابت و حتی تغییر ناپذیرند، و به نسخه برداری انفعالی و کندی از گذشته می‌پردازند (خلاصه آن که هرچه مفهوم عکس مدرنیته را در برگیرد)، و چند اقتداری که مبرا از هرگونه انتقاد یا تجدید نظر باقی می‌ماند. در عین حال امتحان دقیق‌تر و منتقدانه‌تری نشان می‌دهد، توسل به سنت برای مؤلفین آن چون



بهترین رویه برای داخل نمودن و مشروعیت بخشیدن به یک نوآوری و یا یک نقض یا گسست می‌باشد. سنت‌ها بدور از تصور خارج از بعد زمانی خود دارای پیشینه‌ی تاریخی می‌باشند. و بدور از آن که داده‌هایی باشند که به طور مسلم خود را تحمیل می‌نمایند، به طور رایجی دارای بخشی پرمعنی از بدعت‌گذاری‌هایی هستند که می‌توان با آن انتقال معانی را صورت داد. رابطه‌ی میان نو و کهنه میان آن چه ساخته و یا دریافت شده، به طور مسلمی مطرح می‌شود، حتا چنان چه مورخ یا انسان‌شناس در مورد اتخاذ موضع خود بر صحت و اصلیت یک سنت و مطابقت آن با آئین واقعی تردید داشته باشند. متوجه می‌شویم که باب سنت خود مفاهیمی قابل شناسائی را عرضه نمی‌کند و قادر نیست به تحقیق روشن‌گرانه‌ای پردازد، تنها به یک صورت که بتواند در رابطه با بخش‌هایی دیگری چون: قدرت، اقتدار، حافظه، تداوم، اجتماع، هویت، نوآوری، مدرنیته و علم بلاغت... قرار گیرد.

بینیم در زبان فارسی، معنی روایت و سنت چیست و کدام یک از آنها از دیدگاه الاهیات مسیحی کامل‌تر می‌باشد.

روایت: طبق کتاب فرهنگ دهخدا «نقل سخن یا خبر از کسی»؛

بنابراین، چون فقط به صورت شفاهی و نه از راه آئین یا عادات یا رفتار، حقیقت منتقل می‌شود، معنی این کلمه برای ما از دیدگاه الاهیات ناقص است.

سنت: طبق کتاب فرهنگ دهخدا در معانی مختلف به کار برده می‌شود «راه و روش، آئین، رسم یا

احکام دین. سنت به سه گونه است: گفتار، اعمال، اقرار»

بنابراین برای الاهیات مسیحی کلمه‌ی سنت از روایت کامل‌تر است، اما باید اضافه کرد که کلمه‌ی «Tradition» به معنای یک «سپرده» ثابت، که فقط باید تکرار کرد، نمی‌باشد، بلکه این سپرده توسط روح القدس و از راه تجربیات کلیسا زنده است و در عمق راز پیشرفت می‌کند.

در نتیجه:

- یادآوری می‌کنیم که اگر کلمه‌ی سنت را انتخاب کرده ایم به این معنی باید باشد که کلیسا باید در نور روح القدس سه عمل انجام دهد:
- ۱- نسبت به گذشتگان توسط روح القدس با وفاداری ایمان و حیات کلیسا را از پیشینیان بپذیرد.
 - ۲- امروزه در نور روح القدس که ما را به سوی حقیقت کامل هدایت می‌کند (یوحنا ۱۶: ۱۳) این سنت را با زمان معاصر و فرهنگ محلی تطبیق دهد.
 - ۳- این سنت زنده شده را به نسل آینده، با وفاداری توسط روح القدس، منتقل سازد. بنابراین، این احتمال وجود دارد که ما نسبت به این سه عمل مرتکب اشتباه شویم:
- الف- بخواهیم همه چیز را از نو بسازیم و سنت پیشینیان را رد کنیم.
- ب- چون سنت پیشینیان را پذیرفتیم فقط همین را در یک موزه حفظ کنیم و آن را مرتب تکرار کنیم، بدون در نظر گرفتن تجربیات و سؤالات امروز.
- ج- آیندگان این سنت را برای خودمان حفظ کنیم و از ترس، عکس العمل و جفاهای احتمالی را به دیگران منتقل نکنیم.

«آن چه شنیده ایم و می‌دانیم،

آن چه پدرانمان برای ما گفته اند،

به آیندگان خواهیم گفت.

صفت‌های جلال خداوند و قدرتش،

و کارهای شگفت او را

از فرزندانمان پنهان نخواهیم داشت.» (مز ۷۸: ۳-۴).

سنت کلیسا و سنت‌ها

تصور «سنت کلیسائی» در حیات کلیسا اجتناب ناپذیر است. وانگهی باید میان آن سنت کلیسا و سنت‌ها تفاوتی قائل شد، زیرا دسته‌ی آخر هرچند مورد احترام هستند اما نسبی و به ناحیه‌ای خاص تعلق دارند. سنت کلیسائی در جوهره‌ی خود شامل انتقال مژده کتاب مقدس در فضا و زمان است، وهم چنین ورای انواع تفکرات، حساسیت‌های امت‌ها، فرهنگ‌ها در آن چه که تطابق فرهنگی (Inculturation) نامیده اند می‌باشد. که در عین حالی که حائز اهمیت می‌باشد اما در فرهنگ هر دوران و کشوری از ظرافت بسیاری برخوردار است. این گونه است که از ورای تاریخ

خانواده های بزرگ مسیحی با خصایص عبادی خود و تشدید می کنند بر الاهیات قائل شده اند، و هنر موسیقی و شمایل سازی متمایز می شوند: می توان از میان آنان مسیحیان کشور عراق و آنانی که به زبان های سامی تکلم می کنند و دارای سنت انطاکیه و سریانی می باشند، هم چنین که ارتودکسی بیزانس و سپس اسلاو و رومانی و خاندان های غربی چون رومی، میلانی، سلتی و هیسپانی را دارند نام برد. امروزه نیز در فرانسه آئین صحیح است که می کوشد بدون آن که ریشه های تاریخی مسیحیت بومی را نادیده انگارد، از ریشه های شرقی خود چشم پوشد و جایی برای خود بگشاید.

باید در این جا مشخص نمائیم که در جماعات مدرن ما بسیار متأثر از آن چیزی هستند که می توان بی اعتباری سنت نامید. آن چه که در سنت تفوق دارد استمرار آن در پی دگرگونی نسل هاوست هم چنین امریت آن است که برای اداره جریان خود در حال و آینده بدان نیاز دارد. مدرنیته نمودار گسستی قطعی است. و با تحول خود جدائی با سنت و بی اعتباری آن را در صحن دینی، اجتماعی و خانوادگی هویدا می سازد.

امکان بازگشت پیوسته به آن چه که اساسی است

اما انتقال امانت ایمان پیوسته چه در کلیسا و چه در زندگی و وجدان و تشخیص جماعات روحانی و عبادی فعال و زنده امکان پذیر است، اما هم چنان و کمتر از آن نیست که در رابطه ای شخصی و توسط انتقالی زنده در آنچه که خود به مفهوم گسترده آن پدران روحانی نامیده ام می تواند باشد. باید در این جا مشخص سازیم که می توان میان ابویت روحانی در مفهوم صریح و شخصی کلمه بتوان صورتی واقعی از تولید در خدا را بر شمرد و به مفهوم گستره آن تأثیری است که بر هر یک از ما، افراد و قدسین زمانه که «پدران کلیسا» می باشند می توانند برجای بگذارند. از این روست که اشخاص اخیر از قدیس ایگناسیوس انطاکیه و یا ایرنه قدیس، بازیل کبیر، هردو گریگور، ژان داماسن، گریگور پالاماس، روحانیون، سرافان دو ساروو و سیلوآن دواتوس و قدسین گذشته و امروز و قدسینی که میان ما می باشند ما را متولد می سازند و تأثر روحانی آنان در ضد پیروزمندی آئین صحیح می باشد، و مبین شکست و مرگ اوست. چون ما آئین صحیح را ارج می نهمیم بطور اخص در پی گذری ورای این مسائل می گردیم.

باید سنت کلیسائی را چون احاله مطالب و سنتی آفریننده باز شناخت. در عین حال پدران نیز به چیزی غیر از این نیاندیشیده اند: هیچ یک از پدران هرگز این تصور را نداشته که سنت کلیسا تنها تکرار ساده مکررات باشد، به صورتی که تصور شود که ما محکوم به زیستن در دنیائی بسته

میباشیم. درست برعکس، بیانگر عقیده ای است که هر نسلی باید موروث کلیه ی میراث به جای مانده از گذشته باشد، اما این میراث نیز نمی تواند به یاری او آید مگر آنکه خود آن نسل به نوبه خود در این مورد اهتمام ورزد. بنابراین سنت کلیسائی تنها آفریننده است. و به این مفهوم هیچ تضادی وجود ندارد و هیچ چیز قادر به تضاد با سنت نمی باشد. سنت، حضور روح القدس که الهام بخش ماست و می گذارد تا حیات موجود در کلام خداوند را که دریافت می کنیم، دریابیم.

سنت گرائی ایمان افرادی است که مرده اند، حتا آن هنگام که تمارض به زنده بودن می کنند

هیچ چیز در تعارض با سنت کلیسا نیست مگر سنت های خرد و کوچک، ما سبک سرانه با سنت آئین صحیح (Orthodoxie) تقسیم ناپذیر که به مفهوم ایمان پدران کلیسا است اشتباه می گیریم. این گونه آن را چون میراثی روستائی پیش پا افتاده بومی و بخصوص نامعقول و به مفهوم واقعیکلمه «ابلهانه» می انگاریم. در مفهوم اولیه، ابله، چیز بی مقداری نیست، و آن ناتوانی نگرستن و رای روستای خود و و رای فک بینی خود می باشد. در این جاست که ما مسئولیت عظیمی را بردوش ما واقع می شود چرا که به اعمال سنت گرائی پرداخته ایم.

آخر کلام این که، سنت چیست؟ آن ایمان کسانی است که زنده اند، حتا آن هنگام که مرده باشند. سنت گرائی ایمان آن کسانی است که مرده اند، حتی آن هنگام که تمارض به زنده بودن می کنند.

از آن هنگامی که خواسته ایم با عیسا باشیم مشکلی واقعی حادث می گردد: عیسا برآستی که جسم زنده ی این سنت است، او خود به صورت (Logos) کلمه این سنت می باشد. بنابراین اوست که روح القدس را به ما اعطاء می کند، که به یمن آن می توانیم این سنت را دریابیم. عیسا، خود تصویر و به تحریر درآوردن این سنت است. ماهیچ گاه بدون کمک روح القدس قادر به کشف رمز آن نمی باشیم: اوست که با اعطاء خود و اعطاء روح القدس ما را به بیان و کشف رمز آن وا می دارد.

از اینجاست که بزرگترین خیانت است که خود را چون «مالک» متن بیاننگاریم. بخصوص زمانی که

این متن مصغر و بریده شده ای باشد، متنی «ابلهانه» - همان گونه که پیش تر توضیح داده ام - هرگاه متنی به طور مایوس کننده نامعقول باشد و خود مدعی نوعی آئین فوق العاده صحیح (Super Orthodoxie) گردد، آئین بومی صحیح، بسته، که بصورت تجمعات درون جامعه درآمده. همگی اینها خیانت بزرگی است به آئین صحیح و آن در توان و هویت ما می توان باز یافت. آخر آن که این سنت کلیسائی ما را به دوران رسولان به کلیسای رسولان و شهیدان باز می گرداند چرا که کلیسا پیوسته رسولی و بنام شهیدان



است (Martyrielle)، و در روح القدس است که انتقال پیام (مژدگانی) را در وفاداری کامل بی آن که چیزی از آن کاسته یا افزوده شود صورت می دهد.

ب - پدران کلیسا

سنت کلیسا به صورت اخص توسط پدران کلیسا اعلام گردیده و به ما منتقل گردیده، و امروز نیز توسط شورای اسقفان از پدران کلیسا به عنوان نشانگر ایمان کلیسا ذکر می کنند. اما پدران کلیسا چه کسانی بودند؟ نام «پدر» نخست توسط برخی از جماعات مسیحی به اسقف کلیسای خود اتلاق گردید: این گونه در قرن دوم در اسمیرنا برای پولیکارپ که شهید شد و در لیون برای الوتر که همان عاقبت را داشت این عنوان به کار گرفته شد. بعدها کاربرد آن برای کلیه اسقفان گسترده شد و از قرن چهارم هم چنین به کسانی اتلاق شد که با وجود آن که در سمت اسقفی نبودند اما شهرت آنان به لحاظ امریت مسلمی بود که بر اصول مذهبی داشتند. هنگامی که در قرن پنجم، و نسان دو لورن (Vincent de Lerins) چون در صدد یافتن قاعده ای مطابق با آیین صحیح بود، پدران را چنین تعریف نمود «کسانی که پیوسته در ایمان و مشارکت در ایمان کاتولیک زیسته اند، و پیوسته تعلیم داده اند و همواره در ایمان باقی مانده اند، آن کسانی که با وفاداری به عیسا جان سپرده اند و یاق سعادت مرگ برای او بوده اند». او می افزاید «باید آنان را باور داشت، چرا که آن چه همگی یا اغلب از میان آنان به روشنی اذعان داشته اند، و یک صدا، پیوسته و با ابرام، به مانند اجتماع الهی دانان متفق القول، آن چه را که به ما پس از دریافت آن از سنت کلیسا، منتقل نموده اند، باید به یقین و حتم و منطبق با حقیقت انگاشت. از آن جاست که اصطلاح «پدران کلیسا» که به نویسندگان، و متفکرین عهد عتیق اتلاق می گردد، به مانند مرجع اصول مذهبی از سوی سنت، مختص کلیسا شناخته شده است.

این گونه است که پدران، تشکیل دهنده ی نخستین زنجیره ی سنت کلیسایی هستند که هیچ گاه الهام خود را از درون انجیل که کلام خداوند و الهام راز الهی به انسان ها می باشد قطع نکرده اند؛ چه برای نیازهای بشارتی و چه برای دفاع از ایمان در برابر بت پرستان، آنان به اقتضای زمانه موشکافانه کتاب مقدس را تفسیر و تأویل نموده اند. به طوری که در فن تعبیر کتاب مقدس مقام استادی یافتند، اما در عین حال نیز سر منشأ تفکر الاهیاتی بر رازهای بزرگ ایمانی بودند و اصطلاحات قاطعی ابداع کردند که مفاهیم را تصریح می نموده است. با این اقدام توانستند عبارتی استدلالی در خصوص ایمان را به وجود آورند که قادر بود آن را برای فهم بت پرستان آسان بنماید. اما این ضبط عقلایی داده های موجود در الهام رازهای الهی پیوسته به لحاظ نیازهای جماعات مسیحی به جنبش درآمد: به طوری که پدران در عین حالی که بر روی رازهای تثلیث و تن یافتن تفکر می نمودند توانستند درباره ی فعالیت روزمره ی شبانی و آداب منطبق با مسائل مربوط به عصر خود، آیین نیایشی حائز معنایی را برای ایمان داران خود بوجود آورند. آنان در مسائل حیاتی کلیسای

خود حضوری فعال داشتند و به خطا می‌انگاریم که این فعالیت که به لحاظ تاریخی متأثر از عصر آنان بوده است، توانسته باشد آنان را به مفهومی خارج از هنجارهای زمانه و به صورت غیر امروزی در آورد. کلیساهای مسیحی هرگز چنین برداشتی نداشته است. برای آنان شکل گرفتن راستین تفکر مسیحی بودن توسل جستن دائم به سنت کلیسایی که پدران کلیسا شاهدان فعال آن هستند وجود ندارد. «این نخستین شهید مسیحیت»، چون عبارت بوسوئه (Bossuet) را خواسته باشیم باز گوئیم، در واقع موجد جمع بندی همه ی اصولی راهبردی بوده که هم اکنون نیز بر آداب رفتاری مسیحیان در برابر جهان پیرامون آنان حاکم است. انطباق فرهنگی مسیحیت که پدران کلیسا نخست تحقق بخشیده اند پیوسته با هر نسلی از سر گرفته می‌شود، و مثال آن پیوسته نیز معتبر باقی می‌ماند.



طبقه بندی معمول پدران کلیسا، انعکاس دهنده ی تحول نابرابر آیین مسیحیت در شرق و غرب، هم چنین که تحول تاریخی آن بوده است. کهن ترین آنان «پدران رسولی» هستند، چرا که به نسلی تعلق داشته اند که پس از رسولان آمده و یا آن که اغلب آنان را شناخته اید. این در مورد کلمنت، اسقف رم که «نامه به قرن تیان» او از مهم ترین نوشته های پدران هم عصر آخرین نوشته های عهد جدید (بین سال های ۹۵ و ۹۸ م) می باشد، بوده است. ایگناسیوس اسقف انطاکیه نیز که در روم به سال ۱۱۰ به شهادت رسید نامه هایی به جای گذاشته که خطاب به کلیساهای شرق بوده که در آنان با شدت بر این تفکر صحه گذاشته که هر کلیسا حول محور تنها یک اسقف که معرف عیسا می باشد متحد می گردد و این گونه مرکز عینی این اتحاد که در محبت برادرانه تجربه می شود را بوجود می آورد.

جانشین «پدران رسولی»، «پدران مدافع» بودند که خواست آنان پاسخ گویی به اتهاماتی بوده که علیه ایمان داران مسیحی اعمال می شده است و در برابر اذهان بت پرستان به توضیح دین نوین می پرداختند. یونانیان فرهیخته که به واسطه ی فلسفه کلاسیک تعلیم یافته بودند، کوشیدند تا در مفاهیم تفکر هلنیستی (یونانی) مژده ی مسیحیت را منطبق سازند. هم چنین کوشیدند تا یهودیان را بر حقیقت آیین مسیحی متقاعد سازند. از میان مهم ترین آنان می توان در یونان، آتناگورا را نام برد که به سال ۱۷۷ خطاب به امپراتور، مارک اورل و کومود، استدعای نامه ای برای ایمان داران مسیحی می نگارد، و در آسیا نیز ملیتون ساردی که برای همان امپراتور دفاعیه ای تحریر کرده و موعظه ی پراهمیتی را برای عید قیام ایراد می کند که اخیراً نیز نوشته آن بر الواح پاپیروس بدست ما رسیده است. و بخصوص ژوستین فیلسوف که (به سال ۱۶۵ همراه شش تن از مسیحیان سر بریده شد و

مسبب آن از نزدیکان او بود که حسادت او باعث چنین مصیبتی گردید)، دو دفاعیه‌ی او خطاب به امپراطور در مجلس سنای روم و رساله‌ی گفتگوی او با تریفون یهودی دارای ایجاز حائز اهمیتی است بر آیین مسیحیت و اصول اساسی کلمه (Logos) و تفسیر عهد قدیم.

از اواسط قرن دوم، عهدنامه‌ی در رد اشتباهات فرقه‌های گنوسی پدید آمد. ایرنیوس اسقف شهر لیون که او را «پایه‌گذار الاهیات کاتولیک» نامیده‌اند، کتاب *علیه بدعت‌ها* نگاشت که پاره‌هایی از آن به زبان یونانی و سریانی و روایتی به زبان ارمنی و سپس ترجمه‌ای به زبان لاتین بدست ما رسیده است. و شامل گزارش وسیعی از اعتقادات آیین مسیحیت و سنت کلیسایی در فراهم آوردن اصول تغییر ناپذیر ایمان می‌باشد. تمامی این نویسندگان، نوشته‌های خود را به زبان یونانی نگاشته‌اند.

قرن سوم شاهد ظهور نخستین پدران است که الاهیات لاتینی تریولیان که در کارتاژ بدینا آمد و در رم به آموختن حقوق و علم بلاغت پرداخت، در مجادله بسیار قوی و مؤلف کتاب‌های اخلاقی بسیار دشواری و واعظ بسیار مشهوری بوده است. او نیز به مقابله با فرقه‌های گنوسی پرداخت و اعتقاد داشت «فیلسوفان، پدر بدعت‌گذاران» می‌باشند، *علیه والنینیان* ها، *علیه هرموژن* ها، *علیه پراکسیس* ها کتاب‌هایی به رشته‌ی تحریر درآورد. در کتاب خود با عنوان «*علیه مارسیون*» با وجود آن که این فرقه بدعت‌گذار در سال ۱۴۴ از سوی کلیسای روم نیز محکوم گردیده بود، اما در ناحیه‌ی کارتاژ با شدت فعالیت می‌کرد. مجموعه‌ی الاهیاتی حائز اهمیتی بوجود آورد که در آن کوشید تا وحدانیت خدا را اثبات نماید هم چنین که تلاش نمود تا شخصیت عیسا را توصیف کرده و رابطه‌ی او را با خدای یکتا بیان کند و بار دیگر کتب رسمی عهد جدید (کانون) که مارسیون با اعمال سلیقه‌ی شخصی برای خود مواردی را نقض کرده بود معتبر سازد. تریولیان چون شاهد دوران خود همراه این اثر الاهیاتی چندین رساله‌ی اخلاقی، نیایشی، استغفاری، روزه داری، شکیبایی، هنر نیایشی، آرایش بانوان نگاشت که پیوسته متأثر از حکمت رواقی و آغشته به ناامیدی عمیقی در برابر عالم گناهکار و حکم رانی شیطان در میان انسان‌ها بوده است. ونسن دو لرنس با بیان این مطلب آثار او را خلاصه نمود که: در تفکر او همه چیز اسقف که زنجیروار به یک دیگر متصل می‌شود، نیازی منطقی است که ملزم است تا نظرات او را به آن چه که حتا خود قادر به متقاعد سازی آن نبوده است متصل نماید. در نزد وی، هر کلام یک تفکر است، و هر عقیده‌ای از پیش یک پیروزی بر آورد می‌شود. سیبریان، اسقف کارتاژ که به سال ۲۵۸ به شهادت می‌رسد و حاکم بلامنازع کلیسای آفریقا است، در ارتباطی تنگاتنگ با کلیساهای اسپانیا، کشور گل، و تریپولیتن بود، خصوصاً در توصیف آشکار روحانیت و وظایف اسقفی مطالبی نگاشته است. و چون پیوسته دل‌نگران شکل دادن خادمین کلیسای خود بوده، ۱۲ رساله در خصوص شکل دادن ایمان داران تحریر کرده است. با مرجع قرار دادن تجارب شخصی او در دگرگونی زندگی در ایمان به ضرورت تعمق بر کتاب مقدس که به طور مسلم «قرائت کلام خدا» است اصرار می‌ورزد.

در اواسط قرن سوم، مشرق زمین شاهد ظهور مکاتب راستین گردید که تعالیم الاهیاتی را به ایمان داران مسیحی ارائه می داد. از مشهورترین میان آنها مکتب اسکندریه است که در آن برجسته ترین نابغه ی عهد عتیق مسیحیت به نام اوریجن جای دارد که خود فیلسوف، الاهی دان، مفسر، انجیل شناس و واعظ بوده است. از اقصا نقاط جهان برای مشاوره نزد وی می آمدند و اثر او به گفته ی ژروم به دو هزار عنوان می رسیده است! او نخستین بررسی انتقادی را بر متن انجیل و بر متن Hexaples^۱ آغاز می کند و روشی برای تفسیر و تأویل کتاب مقدس بوجود می آورد: به مفهوم استعاری که بخشی از آن را از فیلیون اسکندری اقتباس کرده است.

قرن چهارم که شاهد به رسمیت شناختن مسیحیت چون مذهب حکومتی بوده است، معرف عصر طلایی پدران کلیساست. مکتب اسکندریه یکی از نقاط بسیار فعال در دفاع از ایمان به تثلیث بوده که در فنیقیه تدوین گردیده است همراه با آتاناسیوس و سپس سیریل اسکندریه که در ابتدای قرن پنجم نظریه ی تک سرشتی مسیح را اعلام داشته اند. از جانب خود مکتب انطاکیه نیز درصدد دفاع از این نظریه و اعمال تفسیر دستوری کتاب مقدس بوده که با اصول سخت مسلم علمی توأم گشته است. نماینده ی آن که از میان بقیه ی کسان بیشترین شهرت را داشت و تأثیر او بر کلیساهای شرق تا به امروز نیز ادامه دارد ژان کریزوستوم می باشد که به سال ۳۵۰ متولد شده و به سال ۳۹۷ پاتریارک قسطنطنیه بوده است و توسط امپراتور، تبعید گردید و به سال ۴۰۷ نیز وفات یافته است. از میان آثار بسیار متعدد او تفسیر بر موعظه هایی است بر عهد عتیق و عهد جدید و شرحی بر (نامه های پولس و اعمال رسولان) می باشد. او بیشتر معلم اخلاق بود تا عالم الاهیاتی چرا که گفتار او خطاب به ایمان داران مسیحی است که در اقصا نقاط جهان زندگی می کنند، ژان بی شک رهبری روحانی با وعظی تأثیر گذار بوده است.

به طور معمول تحت عنوان (پدران کاپادوسی) سه اسقف را نام می برد که عبارتند از بازیل، گریگور دو نیس و گریگور دو نازیانس که در محبتی عمیق به یکدیگر پیوند خورده اند. آنان از علم بسیار غنی چه به لحاظ فلسفی و چه به لحاظ ادبی برخوردار بودند، و توانستند بحران (آریانی) را حل کرده و زندگی دیرنشین شرق را پایه ریزی کنند و گریگور دو نیس اثری توأم با نگرش عرفانی عمیقی را تدوین نمود.



در آغاز پنجم در سرزمین لاتین غرب دو شخصیت برجسته حاکم اند: یکی آمبرواز اسقف شهر میلان و آن دیگر آگوستین اسقف شهر هیبون در افریقا.

۱- اوریجن، عهد قدیم را به صورت شش ستون موازی هم به زبان عبری با خط یونانی کنار هم قرار داد و چهار نسخه ی دست نویس به زبان یونانی و در سال ۲۴۵ میلادی این کار را به اتمام رساند.

آمبرواز مقام بالای سیاسی نزد امپراتور داشت و در یکی از پایتخت های امپراتوری به تصدی مقام اسقفی نائل آمد و در کلیسای لاتین اصول اساسی الاهیات و تفسیر مکتب اسکندریه را ترویج نمود. تأثیر او در زمینه مراسم عبادی، با بوجود آوردن سرودهای روحانی که خود مؤلف آهنگ و شعر آن بوده، نمایان است. یکی از نمونه های بشارت او در ایمان آوردن آگوستین جوان است که به سال ۳۸۷ خود او را تعمید داد.

او اواخر تمدن رومی را که به آن تعلق خاطر عمیقی داشت تجربه نمود، آگوستین قطب پراهمیت ادبیات مسیحی لاتین (بین سال های ۴۶۷ الی ۲۳۵) امپراتوری روم بوده است. او به سال ۳۵۴ متولد شد و در ۲۸ اگوست سال ۴۳۰ در شهر خود هیپون که توسط وانداال ها (محاصره شده بود حیات را بدرود گفت. از میان آثار عظیم به جای مانده از او که بارها و بارها تا به امروز نیز خوانده می شود تنها اعترافات کنفوسیوس را یادآوری می کنیم که شاهکاری است از باطن نگری روحانی که بین سال های ۳۹۷ تا ۴۰۱ نگاشته شده است؛ در کتاب تثلیث، او وجود خدا از ورای حافظه، تفکر، اراده مورد بررسی قرار گرفته که آن نیز شاهکار دیگری است در مردم شناسی مسیحی و کتاب «شهر خدا» او الاهیات راستین تاریخی است، که زمان نگاشتن آن توام با انقراض امپراتوری روم بوده است. در این اثر با اطاله ی بسیار مطابقت بین دو شهر زمینی که متشکل از کسانی است که فقط وجود خود را دوست می دارند تا حدی که نسبت به خدا بی اعتنا می شوند، و آن دیگری شهر آسمانی است که به واسطه ی محبت به خدا از خود بیزار می گردند. این شهر آسمانی بر روی زمین سفر می کند، و کلیه شهروندان ملت ها را مجذوب خویش می نماید، او از تمامی نقاط زمین جامعه ای را گرد هم می آورد که چون خود او در این عالم زیرین بیگانه اند. پس از آگوستین، تفکر الاهیاتی تحول زیادی نخواهد داشت و بیشتر مسائل اصولی دین از مفهوم مشخصی برخوردار می شود که رضایت بخش است و در مسائلی انضباطی و مسائل مربوط به زهد دارای تفوق می باشد، پیش از آن که قرون وسطا با برگرفتن و تعمق بیشتر بر روی آثار پدران کلیسا توانسته باشد این «گنجینه ی مدفون» را که سنت کلیساست احیاء کند.